



اعدام و مارکسیسم



اعدام قتل عمد است. در جنگ‌ها همه آزادند که از خود دفاع کنند، همه مسلح هستند. عده‌ای

در تهاجم و عده‌ی دیگر در تدافع‌اند. حیات یک طرف بستگی به نابودی و یا عقب نشینی و فرار طرف دیگر دارد. و یا جنگ داخلی. در جریان جنگ، اعدام تابع شرایط مشخص حاکم بر جنگ است. نمی‌توان جواب آری یا نه بدان داد. ولی وقتی یک نفر توسط طبقه حاکم اسیر می‌گردد، خلع سلاح و به بند کشیده می‌شود، تمام امکانات دفاع از خود را از دست می‌دهد؛ انسان بی دفاعی می‌گردد در ادامه در صفحه ۳

گسترش فقر در ایران



مطلب در صفحه ۲

مکنده‌های اختاپوس‌های چینی بر معادن افغانستان



بعد از شکست سیاسی آمریکا در خاورمیانه و گریز از افغانستان، دولت بنیادگرا، عمیقاً ضد مردمی و خونخوار طالبان در شرایط جدید دوباره بر اریکه قدرت سیاسی نشست. این دولت برای ماندگاری خود همانند همه دولت‌های مرتجع خاورمیانه می‌بایست به یک نیروی امپریالیستی وابسته می‌شد و از پشتیبانی آن برای سرکوب مردم و ماندگاری در سطح بین‌المللی بهره می‌گرفت. ادامه در صفحه ۵

وضعیت واقعی جهان امروز

جهان امروز در سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی گرفتار است. اقتصاددانان سرمایه‌داری برای اقتصاد سال ۲۰۲۳ ارزیابی منفی ارائه می‌دهند و از توقف‌های مرحله‌ای و یا دیرپای آن شاکي هستند. زیرا رشد ۲٫۹ درصدی تخمین زده شده بسیار پایین‌تر از رشد ۳٫۸ درصدی سال ۲۰۰۰ می‌باشد. رشد اقتصاد جهان و اکثر قریب به اتفاق کشورها دارای کمتر از رشد اقتصادی تخمین زده می‌باشد. ولی برای سال آینده تخمین‌های خوشبینانه‌ای عرضه می‌کنند. ادامه در صفحه ۶

تشدید فجایع زیست محیطی ۲

ما در سه شماره کمون (۹، ۱۴، ۲۵) از زوایای مختلف تخریب محیط زیست توسط سرمایه‌داری حاکم بر ایران و سیستم جهانی امپریالیستی را بررسی کرده‌ایم. نشان داده‌ایم که تخریب محیط زیست با تشدید استثمار انسان از انسان و انسان از طبیعت نسبت مستقیم دارد. در نوشته زیر سعی گردیده است به اجمال ابعاد تخریب محیط زیست جهانی را که بر ادامه در صفحه ۹

زیر شب



با صدایی پر از خار و زخم
با صدایی پر از جراحت‌های تجربه
نعره می‌کشم
آیا دریای خار و خون را می‌بینی؟
با حنجره‌ای خونین
نعره کشیدم

ادامه در صفحه ۱۲



تحریف تروتسکیستی رویدادهای

تاریخی

نویسنده: علی رسولی
دوم این که: تروتسکی بر خلاف درخواست استالین و دستورلنین، ارتش جبهه جنوب را که در حال آزاد سازی لمبرگ (لوف) بود: به سوی ورشو فرا خواند و امکان تقویت نیروهای لهستانی
ادامه در صفحه ۱۱

گسترش روزافزون فقر در ایران

فقر چیست؟ فقر عبارت است از عدم توانایی در به دست آوردن عواملی که ادامه زندگی فرد را ممکن میسازد.

هر انسان گرسنه‌ای، بهتر از هزار نویسنده پر احساس، هم فقر را احساس می‌کند و هم می‌تواند آن را مجسم سازد. ما در این نوشته نمی‌توانیم این احساس را به کسی منتقل کنیم ولی می‌توانیم گسترش مرگ آور فقر و علل این گسترش را تحلیل نمائیم.

«بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت در خصوص تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲» در ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ مرز فقر را ۳۰ میلیون تومان ارزیابی کرده است. حال که حدود ۵ ماه از آن تاریخ می‌گذرد، مرز فقر بیش از ۳۱ میلیون تومان ارزیابی می‌شود.

تورم واقعی در پایان سال ۱۴۰۱ در بُعد هراس آوری است: استیو هانکه اقتصاددان کاربردی اهل آمریکا و استاد دانشگاه جانز هاپکینز در توئیتر خود نوشت: «دیروز روزنامه تهران تایمز به غلط ادعا کرد تورم سالانه ایران ۴۷/۷ درصد است. من امروز به طور دقیق تورم ایران را محاسبه کردم که ۱۰۷/۵۵ درصد است، بیش از دو برابر رقم دروغینی که مرکز آمار ایران به تهران تایمز خوانده است». در این مورد نیز «یحیی ابراهیمی، نماینده مجلس می‌گوید که «تورم واقعی در کشور سه رقمی است...» (بی بی سی فارسی - ۵ فروردین ۱۴۰۲)

این در حالی است که تورم نقطه‌ای فروردین ۱۴۰۲ که توسط بانک مرکزی اعلام گردیده است ۶۸,۷۷ درصد برآورد شده که از تورم ثبت شده در پایان سال گذشته حدودا ۴,۹ واحد درصد بالاتر آمده است. (اعداد از آکو ایران - قرائت در ۱۹ جولای ۲۰۲۳)

خواننده به روشنی دغلکاری و جعل واقعیات را از جانب دولت سرمایه‌داری ایران می‌بیند.

مزد متوسط یک کارگر معمولی صنعتی بین ۵ تا ۶ میلیون تومان برآورد می‌شود.

اگر این سطح از مزد را با مرز واقعی فقر مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که این کارگر ۶ بار پائین تر از مرز فقر زندگی می‌کند (زیر خط فقر مطلق). اگر بدن این کارگر برای ادامه زندگی و تولید به ۲۱۰۰ کیلو کالری محتاج باشد، فقط حدود ۳۳۹ کیلو کالری را می‌تواند با مزدش تأمین کند. این کارگر در پروسه تولید باید از جانش برای سرمایه‌داری مایه بگذارد تا بمیرد. این شرایط اقتصادی خانواده او را نیز در خود مچاله می‌کند. زن و فرزندان او نیز در گرسنگی، بی دارویی و ناامنی کامل به سر می‌برند. اگر هم در یک خانواده کارگری دو نفر شاغل باشند، باز هم این خانواده سه بار پائین تر از مرز فقر زندگی می‌کند. در واقع سیاست کارگری رژیم جمهوری اسلامی قتل عام خاموش و انبوه کارگران را کنترل شده پی‌می‌گیرد. این اوضاع اسفناک و مرگبار مربوط به کسانی است که شغل دارند، مزد می‌گیرند و برای سرمایه‌داری تولید می‌کنند و ثروت می‌آفرینند. شرایط اقتصادی و اجتماعی بیکاران، دیگر قابل توصیف نیست.

«فردای اقتصاد» چنین اقرار می‌کند: «یک سبد خوراکی تأمین‌کننده ۲۱۰۰ کیلوکالری مد نظر قرار می‌گیرد. کسانی که نمی‌توانند چنین سبدی را تهیه کنند، دچار فقر خوراکی محسوب می‌شوند. بر این مبنا نمودار زیر نشان می‌دهد در چهار سال گذشته بیش از نیمی از جمعیت ایران کمتر از حداقل کالری مورد نیاز را دریافت کرده‌اند.» البته این سایت نمی‌گوید که بیش از نیمی یعنی چند درصد. به طور واقعی ولی حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند.

همین منبع می‌نویسد: «۳۰ درصد از مردم ایران یا ۲۵.۶ میلیون نفر دچار فقر مطلق هستند. البته نرخ فقر در مناطق روستایی از ۳۵ درصد هم عبور می‌کند.» (فردای اقتصاد - ۱۱ دی ۱۴۰۱)

ولی آقای حسین راغفر اقتصاددان بر مبنای محاسبات دقیق خود می‌گوید که بیش از ۳۳ درصد مردم ایران دچار فقر مطلق‌اند. ولی هنوز یک مسأله مهم توضیح داده نشده است. سؤال

این است که بیشتر این ۳۳ درصد مربوط به کدام طبقه و اقشار جامعه است. این ۳۳ درصد را کارگران زحمتکش و حیات بخش کشور ما تشکیل می‌دهند.

در آمار بانک جهانی آمده است که اقتصاد ایران در سه ماهه اول ۲۰۲۲ (زمستان ۱۴۰۰) رشد ۵ درصدی را تجربه کرده و این رقم در سه ماهه دوم (بهار ۱۴۰۱) تا ۲,۵ درصد افت کرده، اما در سه ماهه سوم (تابستان ۱۴۰۱) ۳,۴ درصد و در سه ماهه چهارم (پاییز ۱۴۰۱) رشد ۴,۷ درصدی را داشته است. در واقع اقتصاد ایران در عرض یک سال به طور متوسط حدود ۳,۹۲۵ درصد رشد داشته است. این بدان معناست که کارگران پیدی، فکری و خدماتی در عرض همان سال ۳,۹۲۵ درصد بیشتر تولید کرده و بیشتر استثمار شده‌اند.

طبق داده‌های مرکز آمار ایران نرخ تورم زمستان ۱۳۹۹ تا پائیز ۱۴۰۰ حدود ۴۰ درصد بوده است. نرخ تورم فروردین ماه ۱۴۰۲ حدود ۵۵ درصد محاسبه شده است که در ۸۰ سال اخیر بی سابقه می‌باشد. اگر ما فاصله دو نرخ تورم در دو سال را جمع و تقریباً کنیم ۱۵ درصد افزایش تورم داشته‌ایم (با در نظر نگرفتن جعلیات این آمار). حال اگر این عدد را به تورم واقعی ۱۰۷,۵۵ اضافه کنیم نرخ تقریباً واقعی تورم در ایران ۱۲۵,۵۵ درصد به دست می‌آید. البته این تورم در همه جا یکسان نیست در استانهای فقیر، شهرهای کوچک و روستاها درصد بالاتر و در شهرهای بزرگ درصد کمتری دارد. مثلاً نرخ تورم در کهگیلویه و بویر احمدی از همه جا بالاتر و در شهرهایی مثل اصفهان از همه جا پائین تر بوده است.

به بیان دیگر مزد ۵ میلیونی یک کارگر صنعتی در عرض دو سال ۱۲۵,۵۵ درصد از ارزش خود را از دست داده و به همین نسبت سفره خالی‌اش خالی‌تر گشته است.

از جانب دیگر قیمت مواد غذایی افزایش سرسام آوری را نشان می‌دهد:

افزایش نقطه به نقطه قیمت روغن در مهر ماه سال گذشته ۱۸۹ درصد بوده

است. یعنی ۴ برابر گرانتر شده است. (دنیای اقتصاد)
کلاً رشد قیمت نقطه به نقطه اقلام خوراکی در مهر ماه ۷۰,۷ درصد و رشد قیمت نقطه به نقطه کالاهای غیر خوراکی ۳۶,۱ درصد بوده است. (دنیای اقتصاد)
از یک جانب مزد کارگران ۱۲۵,۵۵ درصد کاهش یافته و قیمت کالاهای مورد نیاز آن‌ها بین ۱,۵ تا چهار برابر افزایش یافته است.

معضل بزرگ دیگر، معضل مسکن است. آفتاب نیوز از رکود بازار مسکن خبر میدهد و تورم آن را ۲۰۰۰ درصدی ارزیابی می‌کند. قیمت مسکن چنان است که اکثر مردم ایران قادر به داشتن سرپناه مساعد و دائمی نیستند.
در ایران اکثر مردم به ویژه کارگران با شکم گرسنه، خانواده‌ی بحران زده و لاعلاج، در بیماری و نا امنی بدون سر پناه و یا در سرپناهی نا امن و ناکافی، مشغول خلق ثروت برای اندکی سرمایه‌دار زالو صفت هستند.

مهمترین عوامل گرانی و فقر عبارتند از:
۱- طمع سرمایه‌داران در چپاول ارزش اضافه تولید شده توسط کارگران.

۲- تلاش جهت تبدیل کارگران به برده‌های اقتصادی.

۳- بحران نهادینه شده در نظام سرمایه‌داری. این بحران به صورت بحران اقتصادی و سپس سیاسی ظاهر می‌شود. اولین اقدام سرمایه‌داری جهت رفع بحران، فشار و چپاول بیشتر اقتصادی کارگران است.

این وضعیت فقط شامل ایران نیست. کلیه زحمتکشان جهان کم و بیش در چنین وضعیت اسفناکی روزگار می‌گذرانند.

ما در کمون شماره ۵ گسترش فقر را چنین توضیح دادیم: «بر مبنای داده‌های بانک جهانی، در ۲۰۰۸ حدود ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق بودند. در سال ۲۰۱۴، حدود ۲/۵ میلیارد و در سال ۲۰۱۹، ۳/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق بوده‌اند. این روند فقط مربوط به کشورهای کمتر توسعه یافته و یا فقیر نیست بلکه کشورهای پیشرفته صنعتی را نیز دربر می‌گیرد. مثلاً در آلمان در سال

۲۰۱۸، حدود ۱۸/۷ درصد مردم در خط فقر زندگی می‌کردند. این درصد امروزه بیشتر است.»

کارگران و دیگر زحمتکشان ایران با برادران کارگر و زحمتکش خود در تمام کشورها با دشمن مشترکی دست به گریبانند. این امر همبستگی بین‌المللی کارگران را رقم می‌زند و اتحاد آن‌ها علیه سرمایه‌داری را قوام می‌بخشد.

سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را بر مبنای خصلت استثمارگرانه و چپاول‌گرانه‌اش به صورت ویرانه‌ی کنونی درآورده است. تغییرات مثبت به نفع طبقات استثمار شده و ستم دیده را نه سرمایه‌داری، بلکه نوسازی درونی جنبش کمونیستی شکل خواهد داد. در پروسه ایجاد احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و ایجاد یک انترناسیونال کمونیستی مقتدر این روند آغاز می‌گردد.

اعدام و مارکسیسم

دستان قهر حاکم. خطر بالفعل این اسیر برای نیروی فاتح از بین رفته است. در نتیجه اعدام این اسیر، اعدام شخص بی خطر است. اعدام یک فرد بی خطر دست بسته، قتل عمد به حساب می‌آید. این انسان اسیر می‌تواند مارکسیست، قاتل حرفه‌ای، ضد انقلاب سوسیالیستی، بزهدار اجتماعی و یا یک شکنجه‌گر باشد.

تاریخ قتل عمد قانونی بر می‌گردد به ۱۸۰۰ سال پیش از مسیح. در قوانین مشهور حمورابی. در این قوانین برای بیست و پنج جرم، مجازات اعدام صادر شده است.

تاریخ مبارزه علیه قتل عمد قانونی برمیگردد به آغاز خیزش بورژوازی علیه ساختار فئودالیسم. این مبارزه در اوائل دوران روشنگری در سال ۱۷۴۸ در روح‌القوانین منتسکیو انعکاس یافت. در سال ۱۷۵۰ کلیسا روح‌القوانین را

جزو کتاب‌های ممنوعه اعلام نمود. ولی بورژوازی با تثبیت خود به عنوان طبقه حاکم مجازات اعدام را دوباره در قوانین خود وارد کرد.

چرا نیروی حاکم به قتل عمد متوصل می‌شود؟ چرا آدم‌های بی دفاع و بالفعل بی خطر را از موهبت حیات محروم می‌کند؟ زیرا در قهر حاکم در این زمینه یک بینش و یک هدف ارتجاعی وجود دارد:

۱- بینش ارتجاعی قهر حاکم:

در حال حاضر تمام جوامع بشری جوامع طبقاتی‌اند. به عبارت دیگر هر پدیده اجتماعی مهر یک طبقه اجتماعی را با خود حمل می‌کند. از سوی طبقات متضاد اندیشه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی متفاوتی اعمال می‌شود. یعنی نیروهای متفاوتی در جامعه فعال هستند که افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بر این مبنای، گروه‌های متفاوت اجتماعی تحت تأثیرات متفاوت این نیروها قرار می‌گیرند و شخصیت‌شان شکل می‌یابد. انسان‌ها فرزندان اجتماع خود هستند. اجتماع است که آن‌ها را شکل می‌دهد. بر این مبناست که مثلاً در یک جامعه سرمایه‌داری، فقط یک دزد وجود ندارد، فقط یک پزشک وجود ندارد، فقط یک مهندس ساختمان تربیت نشده است. برآیند نیروهای طبقاتی، گروه‌های بزرگی را در این زمینه‌ها خلق کرده است. گروه پزشکان، مهندسان در زمینه‌های مختلف، باندهای دزد و جنایتکار، و...

الیوت کری جرم شناس آمریکایی تداخل هفت ویژگی جامعه سرمایه‌داری را عامل جرایم جدی و ارتکاب جنایات مختلف می‌داند. این هفت ویژگی چنین‌اند:

- ۱- تخریب رو به جلوی زندگی‌ها و درآمدها...
- ۲- رشد بیش از حد نا برابری اقتصادی و افسردگی مادی...
- ۳- بر چیده شدن خدمات و حمایت‌های عمومی اجتماعی...
- ۴- سقوط ارتباطات غیر رسمی درون گروهی برای کمک‌ها، حمایتها و توجهات متقابل بین افراد...

۵- گسترش یک فرهنگ مادی گرا، بی توجه، و سختگیر...

۶- بازار یابی نا اصولی تکنولوژی خشونت...

۷- ضعف بر سر جایگزین یابی‌های سیاسی و اجتماعی...

ترکیب این ویژگی‌های جامعه سرمایه داری با هم، به طور دائم و انبوه جنایتکار و مجرم از یک سو، و تنش انقلابی از سوی دیگر می‌آفریند.

با در نظر گرفتن عوامل فوق روشن می‌گردد که باور بر ریشه کن کردن انقلاب و خشکاندن جنایت در جامعه با قتل انقلابیون و یا چند جنایت کار، تا چه اندازه او همامی و ارتجاعی است.

این بینش ارتجاعی نمی‌تواند درک کند که ساختار اجتماعی‌ای که بتواند یک دزد بپروراند، حتماً تعداد بسیاری از دزدان را پروراند است و باز هم می‌پروراند. و ساختار اجتماعی‌ای که بتواند یک انقلابی با سمتگیری ساختار اجتماعی مترقی‌تر بپرورد، در همان جامعه انقلاب خواهد شد.

۲- هدف قتل عمد قانونی:

هدف در این قتل عمد تنبیه اسیر نیست، زیرا اسیری که دیگر زنده نیست نمی‌تواند تنبیه شود. لذا هدف چنین قتل‌هایی خارج از مقتول قرار دارد. نیروی حاکم با چنین قتل‌هایی می‌خواهد به نیروهای بالقوه و بالفعل مخالف خود بفهماند که مخالفت و ستیز شما با من چنین سرنوشتی دارد. شخص اعدام شده قربانی چنین هدفی است.

مارکس با شفافیت و روشنی خاصی در این مورد چنین می‌گوید: «مجازات عموماً به عنوان وسیله‌ای برای اصلاح و یا ارباب دیگران تعریف شده است. اما شما چه حقی دارید که مرا جهت اصلاح و یا ارباب دیگران تنبیه کنید. علاوه بر این، تاریخ و چیزی به نام آمار موجود است که با ارائه کامل‌ترین شواهد ثابت می‌کنند از زمان "قابیل"، دنیا به وسیله مجازات نه مرعوب شده و نه اصلاح.

درست برعکس. از نظر حقوق انتزاعی تنها یک تئوری مجازات وجود دارد که شأن انسان را به صورت تجربیدی به رسمیت می‌شناسد، و آن تئوری کانت است. این را به خصوص در فرمول‌بندی خشکی که هگل به آن داده است، می‌توان دید.

هگل می‌گوید: «مجازات حق مجرم است. این عملی ناشی از اراده خود وی می‌باشد. مجرم تجاوز به حق را به عنوان حق خود اعلام می‌کند. جرم او نفی حق است. مجازات نفی این نفی است و در نتیجه تأیید حقی است که مجرم خود، آن را مورد پشتیبانی قرار داده و بر خویشتن تحمیل نموده است»_ (هگل- فلسفه حق) بدون شک در این فرمول‌بندی مغلط‌های وجود دارد. چون که هگل به جای این که به مجرم به عنوان صرف یک معلول و برده دستگاه قضائی، نگاه کند، او را به موقعیت یک موجود آزاد که سرنوشت خود را خود تعیین می‌نماید، ارتقاء می‌دهد. با نگاهی دقیق‌تر به موضوع متوجه می‌شویم که در اینجا، این ایده‌آلیسم آلمانی است که مثل اغلب نمونه‌های دیگر، به قوانین جامعه کنونی قطعیت ماوراءالطبیعه می‌بخشد.

آیا این دغل‌کاری نیست که به جای فرد با انگیزه‌های واقعی‌اش، به جای محیط و شرایط اجتماعی گوناگونی که فرد را تحت فشار می‌گذارند، انتزاعی "اراده آزاد" را، یعنی یکی از میان چندین خصوصیات یک انسان را به جای خود انسان قرار دهیم! این تئوری با تلقی مجازات به مثابه نتیجه اراده خود مجرم، چیزی جز بیان متافیزیکی "قانون قصاص" قدیمی نیست (حق تلافی با تحمیل مجازات از همان نوع). صاف و پوست کنده آنکه، مجازات چیزی نیست جز وسیله‌ای که جامعه با آن در قبال تخطی و تخلف از شروط حیاتی خود، صرف‌نظر از صفات این شرط و شروط، از خود دفاع می‌کند. اما این چه نوع جامعه‌ای است که وسیله‌ای بهتر از جلد برای دفاع از خود نمی‌شناسد و وحشی‌گری خود را به مثابه قانونی ابدی

جار می‌زند؟» (قسمت اول مقاله «مجازات اعدام» (Capital punishment) اعدام در جامعه برعکس آنچه که بورژوازی حاکم می‌خواهد، بر کینه و نفرت نیروهای مترقی علیه حاکمین می‌افزاید و تنش انقلابی را در جامعه دامن می‌زند. اعدام می‌تواند در حرکت انقلابی مردم برای لحظه‌ای کوتاه وقفه ایجاد کند ولی قادر به مهار آن نیست. تکامل ساختارهای اجتماعی کهن و جایگزین شدن آن‌ها توسط ساختارهای نوین دال بر این امر است که سرکوب و قتل و کشتار مردم توسط حاکمین نتوانسته از تکامل جامعه بشری جلو گیرد. در عین حال ایجاد شرایط سخت برای جنایتکاران، آن‌ها را به مخفیگاه میکشاند و کنترل جامعه بر آن‌ها را نفی مینماید.

ساختار سرمایه‌داری پرورنده هر معضل اجتماعی‌ست. دزدی، فحشا، اعتیاد، جنگ، گرسنگی و... محصول جامعه سرمایه‌داریست. سرمایه‌داران بر مبنای تکامل این ساختار می‌توانند حتی درصد رشد و فروکش این معضلات را در سالیان متمادی محاسبه و حتی پیشگویی کنند. ساختن یتیم خانه‌ها، زندانهای جدید، ندامتگاه‌ها دقیقاً بر مبنای چنین محاسباتی صورت می‌گیرد.

مارکس در این مورد چنین می‌گوید: «آقای آ کوتله، در اثر عالی و عالمانه خود می‌گوید: "ما به طور وحشتناک منظمأً بودجه‌ای را برای زندان‌ها، سپاه‌چال‌ها، سکوها‌های اعدام و... صرف می‌کنیم. ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که چه تعدادی از انسان‌ها دست‌شان را به خون انسان‌های دیگر آغشته می‌کنند چه تعداد جاعل وجود دارد، چه تعداد به زندان افکنده خواهند شد، تقریباً به همان ترتیبی که می‌توان زاد و ولد و مرگ و میرها را پیش‌بینی کرد..."»

آقای کوتله با قطعیت حیرت‌آوری در جمع‌بندی از احتمالات جرم که در سال ۱۸۲۹ چاپ شد، نه فقط تعداد بلکه انواع جرم‌های گوناگون در سال ۱۸۳۰ در فرانسه را پیش‌بینی نمود. در واقع نه موسسات خاص سیاسی در یک کشور

انقلاب امر توده‌های میلیونی کار و زحمت است

مکنده‌های اختاپوس‌های چینی بر معادن افغانستان

این نیروی امپریالیستی که از مدت‌ها قبل دهان برای بلعیدن افغانستان گشوده بود، امپریالیسم چین است. دولت چین روزافزون مناسبات سیاسی‌اش را با دولت طالبان مستحکم‌تر می‌کند و به این که مردم این کشور در چه شرایط دردناکی زندگی می‌کنند، کاری ندارد. کنسرن‌های بین‌المللی که از پشتیبانی بی دریغ دولت چین برخوردارند، مکنده‌های خود را در معادن افغانستان فرو برده‌اند. وزارت مالی افغانستان اعلام کرده است که یک کنسرن چینی نفت، بهره‌برداری از یک چاه جدید نفت افغانستان را از شنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۲ آغاز کرده است. این معدن در ولایت سرپل قرار دارد. در حال حاضر تولید نفت ۲۴ ساعته این معدن ۷۰ تن است که به زودی به ۱۰۰ تن می‌رسد. استخراج نفت حوزه دریائی آمو برای ۲۵ سال در تاریخ ۱۵ دی ۱۴۰۱ به کنسرن چینی CPEIC واگذار گردیده است.

در عین حال استخراج دومین معدن بزرگ مس جهان (معدن مس عینک افغانستان) که در ولسوالی، ولایت لوگر قرار دارد، به کنسرن‌های چینی سپرده شده است.

کنسرن‌های چینی با پشتیبانی دولت چین مکنده‌های خود را در تمام معادن افغانستان فرو برده‌اند.

فقط در افغانستان و بخش‌های فلزهای نایابی وجود دارد که بدون آن‌ها تحقیقات و تولیدات فناوری جدید غیر ممکن می‌گردد. این فلزات عبارتند از «زغال سنگ، آهن، نیوبیم، کبالت، طلا، مولیبدن، نقره و آلومینیوم و همچنین منابع فلورسپات، اورانیوم، برلیوم، تالک و لیتیوم...» (ایرنا)

ارزش معادن افغانستان در ۲۰۱۳ حدود هزار میلیارد دلار برآورد شده است. از

ساختار اجتماعی حال را دگرگون کنند. سرمایه‌داری از هر نوعش به دگرگون‌کنندگان نظم سرمایه‌داری، جنایت کار می‌گوید. مارکس در رابطه با اعدام حتی قاتلین و جنایت‌کاران چنین می‌گوید: «بنابراین آیا ضرورت ندارد که، به جای تجلیل و ستودن جلاد یعنی کسی که انبوهی از جنایتکاران را اعدام می‌کند تا برای جنایتکاران جدیدی که به وجود می‌آیند، جا باز شود، عمیقاً خواستار دگرگونی سیستمی باشیم که منشاء و منبع تغذیه جرم و جنایت در جامعه می‌باشد.» (مارکس - مجازات اعدام)

بورژوازی هر نکتی را که خود آفریده است، به طبقه کارگر و کمونیست‌ها نسبت می‌دهد. دولت‌های بورژوازی رقابت دوران آزاد سرمایه میلیون‌ها انسان بی‌گناه را در مستعمرات یا به بردگی کشیدند و یا اعدام کردند. امپریالیسم آمریکا در عراق، لیبی، ویتنام، یوگوسلاوی سابق، هزاران نفر را قتل عام کرد و به جوخه‌های اعدام سپرد ولی استالین و مائوتسه دون را قاتل معرفی می‌کنند.

ببینیم مائو تسه‌دون، این رهبر کبیر پرولتاریای جهان در مورد اعدام چه گفت است. او در سند معروف به ده مناسبات بزرگ که در سال ۱۹۵۶ به کنگره حزب کمونیست چین ارائه داد چنین نوشته است: «کشتن آنها (طرفداران سرمایه داری) چه فایده‌ای خواهد داشت؟ آن دسته که به لحاظ جسمی توان کار کردن دارند، از طریق کار بدنی میتوانند اصلاح شوند و به این وسیله میتوان آنها را به خدمت به خلق واداشت... ثانیاً ممکن است عده‌ای به اشتباه اعدام شوند. تاریخ نشان داده که هر گاه سری بریده شده، نمیتوان آن را به جایش بازگرداند. انسان مثل درخت نیست که هر شاخه‌ای که از آن قطع شود دوباره سبز بشود. اگر به سهو کسی کشته شود دیگر امکان اصلاح این اشتباه نیست... البته اتخاذ این سیاست که هنگام تصفیه ضد انقلابیون از حزب و دولت نباید کسی را کشت به هیچ وجه مانع قاطعیت ما در مقابل آنها نخواهد بود.»

بلکه شرایط اساسی جامعه مدرن بورژوائی، به وجود آورنده میانگینی از جنایات در میان بخشی از جامعه هستند.» در جوامع سرمایه‌داری مثلاً ایران، تعداد اندکی از جمعیت در رفاه کامل و امنیت نسبتاً بالائی هستند. این اقلیت اگر هم موضع ضد حاکمیت داشته باشد ولی در نهایت جزوی از طبقه‌ایست که حاکم است، با آن سرنوشت مشترک دارد و تحت نوسان‌های آن، بالا و پائین می‌رود. لذا تأثیر اعدام در این نیروی محافظه کار که به هر قیمتی نمی‌خواهد شرایط عالی اقتصادی و سیاسی خود را از دست بدهد، بالاست. عده اندکی از این افشار می‌ترسند و سرسپردگی اعلام می‌کنند. اکثریت آن به سوراخ‌های خود می‌خزند و نسبت به رژیم موضع خنثی و چاپلوسانه‌ای می‌گیرند.

امروزه که روند اعدام در ایران به اوج رسیده است، جبهه ملی و نهضت آزادی به سوراخ‌هاشان خزیده‌اند. سلطنت طلبان خفقان گرفته‌اند و اگر صدائی هر از گاهی از آن‌ها شنیده می‌شود، صدای همنوائی آن‌ها با دولت‌های امپریالیستی در خارج از کشور است و نه از درون.

اکثریت جامعه که در حرمان و فقر به سر می‌برند و در مرز مرگ قرار دارند و چاره‌ای جز مبارزه با رژیم خونخوار سرمایه‌داری ندارند، به طور دائم و ایست ناپذیری در خیابان‌ها به مبارزه برای حقوقشان مشغول‌اند. این طبقه و افشار هیچ چیز برای از دست دادن ندارند غیر از زنجیرهایشان. اعدام در طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و نیروهای مترقی نفرت طبقاتی علیه رژیم می‌پاشد و اراده‌ی آن‌ها را علیه رژیم سرمایه و بی عدالتی‌ها صیقل می‌دهد.

حرکت و مبارزه زحمتکشان علیه اعدام همیشه می‌بایست با مبارزه انقلابی علیه کل نظام سرمایه‌داری همراه باشد. فرزندان کار و زحمت گام به گام در کارخانه و کار درمی‌یابند که برای ریشه‌کن کردن مفاسد اجتماعی، ریشه‌کن کردن فقر و بی عدالتی، از میان برداشتن دزدی و قاچاق و فحشا و چپاول باید

تنها کالائی که نه تنها گران نشده بلکه ارزانتر نیز گردیده است، نیروی کار کارگران در سطح جهانیست. عوامل دیگر در دامن زدن به بحران کنونی و تورم اقتصادی عبارتند از: کمبود انرژی و اخلال در حمل و نقل جهانی آن، تحریم اقتصادی که کشورهای بزرگ علیه هم و علیه کشورهای کوچکتر اعمال می‌کنند. جنگ‌های منطقه‌ای، تخریب محیط زیست و کوچ اجباری بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از زادگاه خود به کشورهای دیگر و آوارگی میلیون‌های دیگر در داخل کشور خود، در نتیجه افت تولید مواد غذایی و گران شدن آن.

این اقتصاد بحران زده و با تورم بالا، نارسائی‌های اجتماعی عدیده‌ای ایجاد کرده است: در امسال ۳۴۰ میلیون انسان فقیر، احتیاج فوری به کمک رسانی دارند ولی کمکی به آن‌ها نمی‌رسد. در عین حال در ذات سرمایه‌داری استثمار انسان از انسان و انسان از طبیعت نهادینه است و تخریب محیط زیست یکی از عمل کردهای ذاتی سرمایه‌داریست، با روند اوضاع، طبیعت خشناکتر چنگ و دندان انتقام خود را به کل بشریت نشان می‌دهد. فردای هر اجلاسی که دولت‌های امپریالیستی در "نجات و حفظ محیط زیست" برگزار می‌کنند، سوخت فسیلی بیشتری اتمسفر زمین را می‌آلاید و طبیعت را بیشتر می‌آزارد. همین انسان‌ها

مربوطه برای سال آینده تخمین‌های خوشبینانه‌ای عرضه می‌کنند. جدول شماره ۱.

پرشدهترین اقتصاد مربوط به کشورهای هندوستان و چین می‌باشد. اقتصاد جهانی به طور متوسط در سال ۲۰۲۳ حدود ۲/۹ درصد رشد داشته، یعنی ۲/۹ درصد بیشتر ارزش اضافه تولید شده است. این ارزش اضافه را کارگران تولید می‌کنند که مؤسسات و دولت‌های سرمایه‌داری از دست‌شان می‌ربایند.

رشد اقتصادی در جهان به معنی رشد فقر در اقشار استثمار شونده و فرودست در سطح بین‌المللی است. از این نظر، سرمایه‌داری هند و سپس چین بیشتر از هر کشور دیگری کارگران را استثمار می‌کند. این کارگران، هم کارگران کشور مورد نظر و هم کارگرانی هستند که در کشورهای دیگر توسط سرمایه سرمایه‌داران هندی و چینی استثمار می‌شوند.

سرمایه‌داران به خود و عده می‌دهند که در سال ۲۰۲۴ با استثمار شدیدتر کارگران ارزش اضافه بیشتری داشته باشند. یعنی استثمار کارگران را در سال ۲۰۲۴ تا ۳/۱ درصد افزایش دهند.

مکمل رشد اقتصادی، تورم است. IWF تورم جهانی سال ۲۰۲۳ را ۷ درصد ارزیابی کرده است. ولی به کارگران وعده می‌دهد که "انشالله" در سال دیگر

این تورم تا ۴/۹ درصد کاهش می‌یابد. مهم‌ترین عامل این تورم، افت

قدرت خرید مردم است. افت قدرت خرید مردم ناشی از گرانی مصنوعی است که کنسرن‌های بین‌المللی برای

سرکیسه کردن مردم ایجاد می‌کنند. با انگیزه جنگ در اوکراین مواد فسیلی انرژی‌زا مثل نفت و گاز را به طور سرسام آوری گران کردند. که ناشی از آن همه چیز انفجارگونه گران شد.

آن تاریخ معان فلزات کمیاب نیز در این کشور کشف شده است که ارزش کل معان را بی انتها کرده است.

در سال ۲۰۲۱ قیمت هر تن مس تا ۱۰ هزار دلار صعود کرد. تقاضای جهانی لیتیوم نیز تا سال ۲۰۴۰ حدود ۳۰ برابر افزایش خواهد یافت. (Euronews فارسی)

اختاپوس‌های چینی بر این معادن چنگ انداخته‌اند. این مسأله به لحاظ عملی یعنی چین در هر لحظه‌ای با امتناع از صادر کردن این فلزات به هر کشور درخواست کننده صنعتی مثل آمریکا، روسیه، آلمان و یا انگلستان، می‌تواند آن کشور را به زانو درآورد.

این در حالی‌ست که مردم افغانستان به ویژه زحمتکشان و زنان این کشور در جهنم پر اشک و خون حاکمیت طالبان گرفتارند و هر لحظه‌ای اراده‌شان در مبارزه علیه این رژیم ددمنش، خرافاتی و ستمگر راسختر می‌شود.

دولت چین نه از مبارزات مردم افغانستان پشتیبانی می‌کند و نه قتل عام این مردم توسط طالبان را محکوم مینماید. آنچه برای اختاپوس چینی مهم است، رسیدن به سود و ثروت است. همین و بس.

زنده باد
انترناسیونالیسم پرولتاریائی

وضعیت واقعی جهان امروز

جهان امروز در سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی گرفتار است. اقتصاددانان سرمایه‌داری برای اقتصاد سال ۲۰۲۳ ارزیابی منفی ارائه می‌دهند و از توقف‌های مرحله‌ای و یا دیرپای آن شاکی هستند. زیرا رشد ۲/۹ درصدی تخمین زده شده بسیار پائین‌تر از رشد ۳/۸ درصدی سال ۲۰۰۰ می‌باشد. اقتصاد جهان و اکثر قریب به اتفاق کشورها دارای رشدی کمتر از رشد اقتصادی تخمین زده می‌باشد. ولی مؤسسات

رشد اقتصادی جهان و برخی از کشورهای مهم				
منطقه	درصد رشد	سال	درصد رشد	سال
جهان	۲,۹	۲۰۲۳	۳,۱	۲۰۲۴
آمریکا	۱,۲	۲۰۲۳	۱,۴	۲۰۲۴
روسیه	۰,۳	۲۰۲۳	۲,۱	۲۰۲۴
چین	۵,۲	۲۰۲۳	۴,۵	۲۰۲۴
هند	۶,۱	۲۰۲۳	۶,۸	۲۰۲۴

مأخذ: BMWK.DE

جدول شماره ۱

در ابعاد میلیونی به علت قرار گرفتن زادگاهشان در مناطق جنگی و آلوده شدن خطرناک محیط زیست‌شان، در حال فرار از زادگاه‌های خود هستند. یکی دیگر از عوامل مهم بحران و تورم اقتصاد جهانی،

بودجه نظامی برخی کشورها در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ به میلیارد دلار									
کشور	آمریکا	چین	روسیه	هند	عربستان	انگلستان	آلمان	فرانسه	کره جنوبی
سال ۲۰۲۲	۸۷۷	۲۹۲	۸۶،۴	۸۱،۴	۷۵	۶۸،۵	۵۵،۸	۵۳،۶	۴۶،۴
سال ۲۰۲۰	۷۷۸	۲۵۲	۶۱،۷	۷۲،۹	۵۷،۵	۵۹،۲	۵۲،۸	۵۲،۷	۴۵،۷

مأخذ: آمار ۲۰۲۲ از Statista و آمار ۲۰۲۰ از سایت خبرگزاری دانشجو - قرانت ۲۹ جولای ۲۰۲۳

جدول شماره ۳

هزینه نظامی سال ۲۰۲۲ جهان را با ۱۳ درصد افزایش حدود ۲۲۴۰ میلیارد دلار برآورد کرده است. جدول شماره ۳ تصویر روشنتری از وضعیت نظامی جهان ارائه می‌دهد.

امروزه بزرگترین تنش نظامی در جهان یعنی محل گره تضادهای امپریالیستی در اوکراین است. نیروهای امپریالیستی سعی می‌کنند با اعمال قدرت برتر در این نقطه، منافع جهانی خود را گسترش دهند و یا تضمین کنند. لذا وحدت‌های دیرپا و یا زود گذری بین آن‌ها به وجود می‌آید. ترکیه بین غرب و روسیه و چین در نوسان است. غرب میکوشد چین را وادار به موضع‌گیری علیه روسیه نماید. در این جهت برخی مسئولین غربی مثل ماکرون به چین سفر کرده‌اند و سانچز نخست وزیر اسپانیا نیز مانند فون در لاین و بولر آماده سفر به چین هستند ولی چین موضع خود را به روشنی اعلام کرده و در کنار روسیه ایستاده است. شی جین پینگ در ژانویه ۲۰۲۳ در مسکو گفت: «اکنون تغییراتی در حال انجام است که صد سال است اتفاق نیافتاده است ما این تغییرات را با هم پیش می‌بریم.»

ناتو به رهبری آمریکا مخالف هر تلاشی جهت پایان دادن به جنگ اوکراین است. زیرا،

۱- با تبلیغات یکسویه و ایجاد هراس در دولت‌های دیگر می‌تواند به راحتی سلاح‌های کهنه و یا تازه تولید شده خود را بفروشد.

۲- کشورهای عضو ناتو را مجبور به خرید سلاح‌های آمریکایی می‌کند و بدین ترتیب در صندوق‌های مالی تمام

جنگ بزرگ جهانی فراهم آید ولی این شرایط در امروز فراهم نیست. عامل مهم دیگری که در مقابل جنگ طلبی امپریالیست‌ها می‌ایستد، میلیاردها انسان‌های صلح طلبی هستند که تا اندازه‌ای متشکل و به عواقب جنگ‌های جهانی آگاهند. متأسفانه نیروهائی که صحبت‌شان این برداشت را می‌دهد که همین فردا جنگ جهانی آغاز می‌شود، این فاکتور مهم و گاهاً تعیین کننده را نیز به حساب نمی‌آورند.

بخشی از اقتصاد کشورهای امپریالیستی را فروش اسلحه تأمین می‌کند، لذا کنسرن‌های اسلحه ساز امپریالیستی به ویژه کنسرن‌هائی که دولت‌های ابرقدرت را در اختیار دارند، به طور دائم جهان را در تنش و ناامنی قرار می‌دهند تا هر چه بیشتر سلاح‌های مرگبار و کشتار جمعی را به فروش برسانند. تحت این شرایط

درآمد و هزینه دولتی آمریکا			
سال ۲۰۲۰		سال ۲۰۲۳	
موضوع	درآمد	هزینه	مبلغ
مقدار هزینه بیش از درآمد	۶.۴۸۹,۷۱	۹.۴۳۸,۸۹	۱۰.۲۴۹,۳۴
	۲.۹۴۹,۱۸	۱.۶۸۵,۶۸	

مأخذ: Statista

جدول شماره ۲

مایل بدان نیست. روسیه مایل است هر چه زودتر جنگ اوکراین را با گرفتن آوانسی از غرب و دور کردن ناتو از آن کشور، خاتمه دهد تا به اقتصاد و تضادهای داخلی خودش سر و سامانی ببخشد.

این بدان معنا نیست که این شرایط می‌تواند همیشه دوام پیدا کند. اوضاع بین‌المللی دائماً در تغییر است. امکان دارد در آینده‌ای نه چندان دور شرایط یک

رقابت کنسرن‌های عظیم بین‌المللی در تقسیم بازار، مناطق نفوذ و چپاول ثروت تولید شده می‌باشد. این رقابت به جنگ‌های منطقه‌ای، نیابتی و گاهاً به جنگ جهانی میانجامد.

در شرایط امروز، جنگ جهانی محتمل نیست. زیرا اقتصاد آمریکا در بحران شدیدی قرار دارد، دولت آمریکا در بین مردم جهان در انزوای کامل است. در منطقه خاورمیانه و جنگ اوکراین سیاست‌هایش با موفقیت روبه رو نبوده و در بیش از هزار پایگاه نظامی در جهان نیرویش را پراکنده کرده است. و اکنون تورم بیش از ۸ درصدی و گرانی سرسام آور مواد مایحتاج زندگی مردم بر گریبانش چنگ انداخته است. لذا امکان درگیری بزرگ با ابرقدرتی مثل چین را ندارد. جدول شماره ۲

دولت چین نیز امروزه لزومی برای برپائی جنگ جهانی نمی‌بیند. با اهرم اقتصادی گام به گام ابرقدرت فرتوت آمریکا را از میدان به در می‌کند و در صورت لزوم در هنگ کنگ، تایوان و دریای چین به این ابر قدرت چنگ و دندان برنده خود را نشان می‌دهد. دولت روسیه نیز به لحاظ اقتصادی و سیاسی توان درگیر شدن در یک جنگ بزرگ جهانی با قدرتی مثل خودش را ندارد و

کشورهای اروپائی را باز می‌کند و محتوای آن را می‌مکد. همان طور که در صندوق مالی آلمان برای خرید اسلحه از آمریکا باز شد. به این ترتیب دولت بایدن بخشی از کسری بودجه خود را جبران می‌کند. رجوع شود به جدول شماره ۲.

۳- با تضعیف مالی کشورهای اروپائی می‌تواند گام به گام وحدت نسبی آن‌ها را از هم بپاشد و یک به یک آن‌ها را مطیع اوامر خود کند. این جدول نشان می‌دهد که آمریکا با فروش اسلحه توانسته است کسر بودجه خود را تقلیل دهد.

از این جهت تا یک اوکراینی در اوکراین زنده است، بایدن جنگ اوکراین را ادامه می‌دهد. بایدن در مورد طرح صلح چین چنین می‌گوید: «پوتین از این طرح حمایت می‌کند. پس چطور می‌تواند این طرح خوب باشد.»

چین در عین حال که سیاست بی طرفی ظاهری در پیش گرفته است، مخفیانه به روسیه کمک‌های مهمی می‌کند. نشریه اشپینگل نوشت: «روسیه برای ساخت یک کارخانه پهباد انتھاری با یک شرکت چینی به توافق رسیده است.» و آنتونی بلینکن حدث می‌زند که: «چین در حال بررسی ارسال سلاح‌های مرگبار به روسیه است.»

بر مبنای مدارکی که در فوق آورده شد، جهان ۲۰۲۲ از جهان ۲۰۲۰ نظامی‌تر و جنگ افروزتر گشته است: جدول شماره ۴

راب بانر رئیس کمیته نظامی ناتو از کشورهای عضو خواسته است که «اقتصاد جنگی را در پیش گیرند.» زیرا «در شرایط کنونی اولویت صنایع بیشتر باید بر روی تولید تجهیزات نظامی باشد تا نیازهای عادی جامعه.» از این محکم‌تر نمی‌توان نظامی‌گری امپریالیستی را در پیش گرفت. در مسیر همین نظامی‌گری، خانم اورزلا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا می‌گوید: «اوکراین باید تمام تجهیزات نظامی مورد نیاز برای

دفاع از خاک خود را دریافت کند». در جهت این «دفاع»، بمب‌های خوشه‌ای با انفجارات هسته‌ای را در اختیار فاشیست‌های اوکراینی می‌گذارند و روسیه هم موشک‌های مجهز به کلاهک‌های اتمی را در بلاروس مستقر می‌سازد.

چنان که می‌بینیم جهان هر روز میلیتاریزه‌تر می‌گردد و بشریت به جنگ‌های بزرگ خانمان برانداز نزدیک‌تر می‌گردد.

سمت‌گیری اکثر کشورهای جهان از ۱۰ سال پیش تا کنون تغییر اساسی کرده است. اکثر کشورهای آفریقائی و

خاورمیانه‌ای و حتی اروپائی به سمت امپریالیسم چین متمایل شده و گام به گام از آمریکا فاصله می‌گیرند. نمونه‌های برجسته آن عربستان سعودی، پاکستان و قطر هستند.

طرح ایجاد یک نیروی دریائی خاورمیانه‌ای توسط برخی کشورها برای امنیت منطقه، ناشی از زوال قدرت آمریکا و بی اعتمادی کامل این کشورها به این امپریالیسم است. این طرح نفوذ امپریالیسم چین و گسترش پروژه «یک کمربند و یک جاده» آن را در کل خاورمیانه تحکیم و تضمین می‌کند.

اکثر کشورهای اروپائی، عضو ناتو و جزو متحدین آمریکا هستند. با این وجود از ده سال اخیر علیه سیاست آمریکا دال بر فاصله گرفتن از چین و قطع روابط با این کشور، ایستاده‌اند و با امپریالیسم چین مناسبات اقتصادی گسترده‌ای برقرار کرده‌اند. کشورهای قدرتمند اروپائی مثل آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا به شدت به صنایع شیمیائی چین به ویژه مواد کمیاب در طبیعت که برای رشد و تکامل فناوری اهمیت حیاتی دارد، مطلقاً وابسته هستند. هر چه این مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم چین رشد می‌یابد، ریسک وابستگی به امپریالیسم آمریکا کمتر و وابستگی به امپریالیسم چین

افزایش می‌یابد. در عین حال در پارلمان این کشورها نسبت به درجه وابستگی به اقتصاد و سیاست چین مرتب جدال و نزاع حاکم است. سفر لی کیانگ، نخست وزیر چین به آلمان، فرانسه و شرکت در «اجلاس سران پیمان مالی جدید جهانی» در اواسط جولای ۲۰۲۳ جهت تحکیم مواضع چین در اروپا انجام شد.

سال	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۲۲
مبلغ به میلیارد دلار	۱۴۴۳	۱۷۹۰	۱۹۶۰	۲۲۴۰

مأخذ: Statistika

جدول شماره ۴

در لحظه کنونی هنوز تضاد اساسی جهان، تضاد کار و سرمایه است. تشدید این تضاد فقط به معنای تشدید استثمار، ستم و سرکوب طبقه کارگر و زحمتکشان دیگر نیست، بلکه به معنای تشدید مبارزه کلیه زحمتکشان و نیروی مترقی جهانی علیه حفقان، سرکوب و استثمار و برای تحقق آزادیهای دمکراتیک و سوسیالیسم نیز هست. سالی که گذشت سال مبارزه و شورش ستم دیدگان و پا برهنگان بود، سال تلاش طبقه کارگر جهت رشد آگاهی خود، سازمانیابی و مبارزه عمیق‌تر با اقدامات غارتگرانه و سرکوب‌گرانه نیروهای ارتجاعی حاکم و گاهاً برای انقلاب مسلحانه توده‌ای جهت رسیدن به ساختار سوسیالیستی بود.

در سالی که گذشت میلیون‌ها از مردم ایران به محوریت طبقه کارگر با پرداخت هزینه بالا، برای آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم علیه رژیم فاشیستی تا به دندان مسلح حاکم جنگیدند.

در اعتراض به طرح افزایش سن بازنشستگی ۳/۵ میلیون فرانسوی در ۲۳ مارس ۲۰۲۳ به خیابان‌ها آمدند و در مقابل تهاجم پر خشونت پلیس به مقاومت دست زدند و با آن‌ها درگیر شدند. در پشتیبانی از این اعتصابات، کارگران پالایشگاه‌های فرانسه دست به اعتصاب زدند و باعث قحطی سوخت شدند. سه هفته پس از آن صدها هزار نفر علیه

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران

تشدید فجایع زیست محیطی ۲

محیط زیست ایران نیز تأثیر میگذارد توضیح داده شود و سپس محیط زیست ایران بررسی گردد:

ابعاد تخریب محیط زیست جهانی

ترکیب جو امروزه زمین که دست ساز استعمار سرمایه‌داری از طبیعت است، شباهت کمی با ترکیب گلخانه‌ای طبیعی خود دارد: درصد گازهای مختلف به ویژه دی اکسید کربن تولید شده توسط صنعت بالا رفته است. هر چه این درصد بالاتر رود گرمایش زمین افزون‌تر می‌گردد. این گاز در جریان استعمار شدید کارگران و تولید روز افزون کالا در ساختار سرمایه‌داری رو به افزایش است.

علاوه بر این گازهای سمی، ریزگردها و غبار عناصر رادیو اکتیو که در نتیجه انفجارات هسته‌ای در هیرو شیما، ناکازاکی، یوگوسلاوی و آزمایشات هسته‌ای روسیه، آمریکا، چین و کره شمالی تولید گشته‌اند، اتمسفر را به شدت آلوده و ضد حیات کرده است.

طبیعت برای جبران صدماتی که ساختار سرمایه‌داری بر آن وارد کرده است، صدها و هزاران سال وقت لازم دارد. فلزات سنگین و نیترات‌ها و غبارهای رادیواکتیو، آب را و در این جریان، زمین‌های کشاورزی و جنگل‌ها را آلوده می‌کند. این آلودگی باعث می‌گردد که زمین نتواند عناصر لازم برای تغذیه گیاهان را در خود نگهدارد. نتیجتاً کمبود محصولات کشاورزی و تغییر منفی کیفیت مواد غذایی تولید شده یکی از عوارض آن است.

لذا آلودگی اتمسفر، هم در طبیعت اخلال ایجاد می‌کند و هم حیات را در روی کره زمین نابود مینماید. گرمایش و آلودگی روز افزون اتمسفر باعث گرم شدن زمین و آب اقیانوس‌ها می‌گردد، که در نتیجه آن یخ‌های قطبی آب گردیده و شهرها و دهات را لحظه به لحظه به کام خود میکشد. در مقیاس جهانی، سطح دریاها ۴ تا ۸ اینچ نسبت به قرن گذشته بالا آمده است.

گرانی سرسام آور مواد اولیه مورد احتیاج مردم، خیابان‌ها را تسخیر کردند. هنوز هم عطر مبارزه از فرانسه به مشام می‌رسد. در این جریانات جلیقه زردها بسیار فعال بودند.

در آمریکای لاتین موج سبز که در سال ۲۰۰۳ از آرژانتین جهت آزادی سقط جنین و آزادی بارداری آغاز شد، کل آمریکای لاتین را به حرکت در آورد. زنان تا به امروز برای تحقق این آزادی پای می‌فشرند و دستاوردهای ارزنده‌ای را نیز کسب کرده‌اند.

هند سال پشت سر را در ناآرامی قومی و طبقاتی سیر کرد. در بسیاری از ایالات هند مردم علیه گرانی و فقر در مبارزه بودند ولی در ایالت مانیپور درگیری‌های قومی شدت بی سابقه‌ای یافته است. تا کنون این درگیری‌ها ۱۰۰ کشته و بیش از ۴۰۰ زخمی برجای نهاده است. در برخی نواحی هند کارگران و زحمتکشانشان تحت رهبری جنبش کمونیستی برای استقرار سوسیالیسم می‌جنگند.

جهان کنونی در تب و تاب مبارزه علیه استعمار سرمایه‌داری، سرکوب، فقر، جنگ و اعتیاد داغ گشته است. ولی این مبارزات بیشتر معیشتی است تا سیاسی. بیشتر پراکنده است تا متشکل، بیشتر ناسیونالیستی است تا انترناسیونالیستی. می‌توان گفت در رأس انگشت شماری از مبارزات زحمتکشانشان یک حزب قدرتمند کمونیستی قرار دارد. به همین جهت مبارزات مردم در سطح بین‌المللی از این کمبود رنج می‌برد و تا رفع آن پیروزی با ثبات و واقعی در آزادی و رفاه مردم متصور نیست.

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما

پیوندید

گرمای تابستان ۱۴۰۲ رکورد گرمای قابل ثبت را در تاریخ شکسته است. گرمای سین کیانگ چین ۵۲٫۲ درجه سانتیگراد، ویتنام ۴۴ درجه سانتیگراد و در بسیاری از شهرهای اروپا ۴۸ درجه سانتیگراد گزارش شده است. تعداد قربانیان گرمایش ۲۰۲۳ هنوز محاسبه نشده است ولی قربانیان گرمایش سال ۲۰۲۲ که به گرمایش ۲۰۲۳ نمیرسد، فقط در اروپا که تکنولوژی لازم برای مبارزه با گرما نیز مهیاست، ۶۱ هزار نفر بوده است.

در نتیجه تحقیقات دانشمندان از مردم ۷۳۲ شهر جهان، بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸ روشن گردیده است که بیش از ۳۷ درصد تلفات انسانی ناشی از افزایش حرارتی بوده که در نتیجه فعالیت‌های انسان ایجاد شده است. (euronews - قرائت ۲۲ جولای ۲۰۲۳)

"جان هاتون" یکی از اعضای اصلی کمیته دولتی تغییرات آب و هوایی انگلیس می‌گوید: تأثیر گرم شدن کره زمین به حدی است که من هیچ شک و تردیدی در توصیف آن به عنوان سلاح کشتار جمعی ندارم. (ایرنا - قرائت در ۲۲ جولای ۲۰۲۳)

این معضلات و خطر بلاواسطه‌ای که زندگی را در روی زمین تهدید می‌کند، باعث گردیده است که علیه سوخت فسیلی که باعث ایجاد گازهای گلخانه‌ای می‌شود، در بین مردم مقاومت ایجاد شود و اخذ انرژی از منابع سالم مثل اخذ انرژی از نور خورشید، حرکت آب‌های دریاها و اقیانوس‌ها خواست اکثریت مطلق مردم جهان گردیده است. ولی برای عدم استفاده از سوخت فسیلی و اخذ انرژی پاک، می‌بایست هزینه کرد. سرمایه‌داری اولین و بزرگترین مانع چنین تغییریست. زیرا سرمایه‌داران در هر لحظه‌ای دنبال سود هستند و نه قبول مخارج. در واقع سرمایه‌داری آگاهانه بشریت را به سوی مرگ می‌برد.

طبق گزارش یونیسف در هر روز ۱۰۰۰ کودک در اثر آب آلوده می‌میرند. این مرگ‌های جانگداز که اغلب ناشی از

زیست ۶ برابر مالاریا و ۴ برابر ایدز است. (خبر آنلاین)

مسئولان وزارت بهداشت هر سال آمار ۲۰ هزار مرگ منتسب به آلودگی هوا را تکرار می‌کنند (خبر آنلاین) این واقعیات نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی برای قتل عام کارگران و زحمتکشان غیر از نیروهای مسلح به سلاح خطرناکتری هم مجهز است؛ تخریب محیط زیست. رژیم ایران قادر نیست هر سال به طور قانونی ۲۰ هزار نفر را اعدام کند ولی با تخریب محیط زیست زحمتکشان را هدف قرار می‌دهد و ۲۰ هزار ۲۰ هزار از آن‌ها را هر ساله به قتل میرساند، بدون جواب گوئی.

«یک فعال محیط زیست گفت: در ۷۰ سال گذشته هفت میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس از بین رفته و در حال حاضر تنها پنج میلیون هکتار جنگل در زاگرس باقی مانده است، این چنین که به نابودی جنگل‌ها و مراتع کشور کمر همت بسته‌ایم متأسفانه تا ۵۰ سال آینده تمامی جنگل‌ها و در ۸۰ سال آینده تمامی مراتع را از دست می‌دهیم.» وقتی همه جنگل‌ها و مراتع یک منطقه وسیع از کشور از بین برود، خشکسالی، گرمای بسیار بالا و کشنده و قحطی مواد معیشتی را حد و نهایی نخواهد بود.

تخریب جنگل‌های ایران نه فقط در اثر قطع درختان برای استفاده تجاری بلکه همچنین در نتیجه آلودگی هوا و آب که مواد اولیه حیات جنگل را میسازد، صورت می‌گیرد. وقتی جنگل‌ها نابود شوند، هوا با غلظت بیشتری آلوده می‌گردد و با قدرت بیشتری انسان‌ها را به نابودی میکشاند.

تخریب محیط زیست یک منطقه باعث فرار مردم از مرگ، خشکسالی و قحطی است. امروز در ایران ناشی از تخریب محیط زیست توسط نظام سرمایه داری هزاران روستا، خالی از سکنه گشته است و میلیون‌ها نفر آواره و سرگردان گشته‌اند.

«نتایج پژوهشی که در سال ۹۹ در فصلنامه علمی مطالعات راهبردی

ماشین‌های مستعمل، تکنولوژی ناکارآمد و استفاده بی رویه از انرژی فسیلی به تولید مشغول‌اند. این‌ها عامل اصلی آلودگی هوای این استان است.

ایرج حشمتی می‌گوید، به علت آلودگی هوا «کلاس‌های آموزش در شهرهای اصفهان، سجزی، شاهین شهر، خمینی شهر، دولت آباد، زرین شهر، مبارکه، فولاد شهر، فلاورجان، کاشان، آران، بیدگل و نجف‌آباد به صورت غیر حضوری و برخط انجام شود.» (تابناک) روشن است که آلودگی هوای این مناطق ناشی از فعالیت‌های غیر تخصصی، نارسائی‌های تکنولوژی، ابزار مستعمل و سوخت فسیلی کارخانجات این منطقه است.

با این دو مثال روشن می‌گردد که آلودگی هوای کل کشور ناشی از سیاست‌های اقتصادی و ضد مردمی طبقه حاکم و ساختار سرمایه داریست. ناشی از سوخت فسیلی در کارخانه‌ها و خودروهای قدیمی و نیمه قدیمی، ایران ششمین کشور تولید کننده دی اکسید کربن در جهان است.

راديو زمانه می‌نویسد: «آخرین گزارش دانشکده بهداشت و پزشکی استوایی لندن (دراوندی بهار سال جاری) که در مجله تخصصی

The Lancet Planetary Health منتشر شده است ۱۹ کشور خاورمیانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این گزارش هشدار می‌دهد که تا پایان قرن به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر ۱۲۳ نفر در سال جان خود را به دلیل گرمای سوزان در این منطقه از دست خواهند داد... ایران بالاترین میزان مرگ و میر سالانه را در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (۴۲۳ در هر ۱۰۰۰۰۰) خواهد داشت.»

آمار فوق می‌گوید که در ایران روند تخریب محیط زیست نسبت به کشورهای دیگر خاورمیانه همه جانبه‌تر صورت می‌گیرد.

عباس شاهسونی، رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت می‌گوید میزان مرگ ناشی از تخریب محیط

اسهال، هپاتیت، حصبه و وبا حادث می‌گردد، بیشتر در کشورهای فقیر مثل کشورهای آفریقائی، کودکان را تهدید می‌کند. نظام سرمایه‌داری علاوه بر کشتار نظامی مردمان کار و زحمت، به قتل عام کارگران و اقشار تهیدست توسط تخریب محیط زیست مشغول است. نه تنها انسان‌ها بلکه حیوانات دیگر نیز با خطر انهدام ناشی از تخریب محیط زیست دست به گریبان‌اند. مثلاً در اوروگونه ۲۰۰۰ پینگوئن از گرسنگی و آب آلوده در یکی از سواحل این کشور مردند. علت گرسنگی آن‌ها صید بی رویه و نابودکننده ماهی ارزیابی شده است.

ابعاد تخریب محیط زیست در ایران

ایران کشوری است که از جنوب شرقی تا جنوب غربی به خط استوا نزدیک است. لذا جنوب ایران آب و هوای حاره‌ای دارد. به علت قرار گرفتن کوه‌های زاگروس در غرب و کوه‌های مازندران، در شمال و شمال شرقی و کوه‌های آهنگران و تفتان در شرق کشور، هوای سرد قطب شمال از طریق اروپا از دره‌ای که کوه‌های نامبرده از شمال غربی تا جنوب شرقی ایجاد کرده‌اند، می‌تواند تا دریای عمان وزش داشته باشد. به همین جهت ایران در هر زمانی از سال، چهار فصل را در خود دارد. آب و هوای این کشور آنچنان متنوع است که هر گیاه و میوه و غله‌ای در آن به خوبی به عمل می‌آید. طبیعت طبیعی ایران زندگی بخش و بسیار مفرح است ولی همین طبیعت در نتیجه حرص و طمع سرمایه‌داری و ندانم کاری‌های مسئولین چپاولگر، آنچنان مسموم گشته که، به دشمن زندگی مردم ایران تبدیل شده است.

علی سلاجقه می‌گوید: «متأسفانه محیط زیست ایران در وضعیت مناسبی قرار ندارد.» این اقرار را علی سالاروند مستند می‌سازد: «در حال حاضر آلودگی هوای اکثر شهرهای لرستان ۳ تا ۵ برابر حد مجاز است.»

علت آلودگی هوای لرستان تا بدین درجه چیست؟ در لرستان بیش از ۱۵ مؤسسه بزرگ تولیدی در فعالیت‌اند که با

سیاستگذاری عمومی نیز چاپ شده نشان می‌دهد که تا سال ۹۹ حدود ۲ میلیون نفر در ایران بر اثر ساخت ۳۴۹ سد که به بهره‌برداری رسیده‌اند مجبور به ترک زادگاه خود شده‌اند.» (سلامت نیوز - ۱۴۰۱)

ایران آزاد می‌نویسد: «تا کنون ۲۴ میلیون از جمعیت روستایی ایران مهاجرت نموده‌اند. از جمله مشکلاتی که به آنها پرداخته نشده و مهاجرت را به دنبال داشته است، می‌توان به آفت شدید سفره‌های آب زیرزمینی و نابودی کاریزها، برهنگی سرزمین ناشی از فشار بیش از حد دام و افزایش کانون‌های تولید گرد و خاک، وابستگی شدید معیشتی به منابع آب و خاک و عدم معرفی گزینه‌های جایگزین اشاره کرد.» (ایران آزاد) و رحمانی فضلی پیش‌بینی کرده است که در ۲۵ سال پیش رو (از ۱۳۹۷) «شرق و جنوب کشور کاملاً خالی از سکنه خواهد شد»

از جانب دیگر، وسعت کویرهای ایران حدود ۵۰ هزار کیلومتر مربع است. گرمای بعضی از این مناطق در تابستان تا ۸۰ درجه سانتی‌گراد بالا می‌آید. اگر در این مناطق پنل‌های خورشیدی نصب شود، می‌توان با برق اخذ شده، کل نیاز برق خاورمیانه را تأمین نمود ولی بیش از ۹۰٪ برق ایران از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. این یک نمونه از ارتجعی بودن، ناکارآمدی و سودپرستی دولتمردان ایران است. آن‌ها در این لحظه با اخذ برق از سوخت‌های فسیلی سودهای میلیاردی به جیب می‌زنند. آن‌ها در این لحظه و برای خود زندگی می‌کنند و نه برای رفاه و امنیت اجتماعی و طبیعی مردم در همه لحظات.

ایران یکی از تولید کنندگان مهم انرژی فسیلی است (نفت و گاز). لذا برای ادامه فروش نفت به شدت مخالف توسعه اخذ انرژی از منابع دیگر مثل خورشید و جزر و مد دریاها در خود ایران و یا توسط کشورهای دیگر است.

مبارزه علیه تخریب محیط زیست جدا از مبارزه طبقاتی طبقه کارگر جهت برکنند

نظام استثماری نیست. ساختار سرمایه‌داری با استثمار انسان جهت کالا کردن مواد طبیعی برای سود، به استثمار طبیعت می‌پردازد. هر چه استثمار کارگران شدیدتر باشد، تخریب طبیعت نیز شدیدتر است. عکس این امر نیز صادق است. هر چه تخریب طبیعت شدیدتر باشد، نشان از استثمار شدیدتر طبقه کارگر است. لذا مبارزه جهت حفظ طبیعت، مبارزه جهت یگانگی طبیعت و انسان، مبارزه‌ایست در جهت برکنند استثمار، مبارزه‌ایست در جهت سوسیالیسم. به مبارزه علیه تخریب محیط زیست کم بها ندهیم.

سرمایه‌داری با استثمار انسان از انسان نه تنها می‌تواند با تخریب محیط زیست حرکت پیش‌رونده و تکامل جوامع را کند نماید، بلکه قادر است برای سود لحظه‌ای در یک جنگ جهانی با انفجار چند بمب هسته‌ای بشریت را نابود کند.

لذا می‌بایست مبارزه علیه استثمار انسان از انسان را با مبارزه علیه استثمار انسان از طبیعت همراه کنیم و سرمایه‌داری را به تاریخ بسپاریم.

**مبارزه علیه سرمایه‌داری
فاشیستی داخلی جدا از مبارزه
علیه امپریالیسم نیست**

تحریف تروتسکیستی رویدادهای

تاریخی

نویسنده: علی رسولی. ادامه

در آن منطقه را مهیا ساخت.

سوم این که: در حمله به ورشو از نیروهای ذخیره نیز که هنوز آمادگی و تجربه نظامی نداشتند، استفاده شد. در اثر این اقدامات مشکوک تروتسکی و توخاچفسکی، ارتش سرخ که در ابتدا قادر به عقب راندن دشمن و آزاد سازی اکثر مناطق شده بود، مجبور به عقب نشینی شد. پس از برقراری نظم مجدد در ارتش سرخ، از تهاجم ارتش لهستان جلوگیری شد و آمادگی برای حمله‌ی

متقابل به وجود آمد. در این موقعیت جدید، لهستان به علت تشویش از پیروزی ارتش سرخ، عقد قرارداد صلح را که شوروی از مدت‌ها پیش مطرح کرده بود، پذیرفت. لهستان از ادعای خود مبنی بر برکنار راست اوکرائین و بلوروسی چشم پوشید و تنها گالیسی و بخشی از بلوروس در تصاحب لهستان باقی ماند. قرارداد صلح در تاریخ ۲۰ اکتبر در ریگا امضاء شد. تروتسکی سالیانی بعد، در “زندگی من” بیش‌رمانه، فرمان حمله فوری به ورشو را به لنین و اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست نسبت می‌دهد تا خود را منزله جلوه دهد. او می‌نویسد: «لنین این نقشه را در سر داشت:

موضوع را تا آخر دنبال کردن یعنی تسخیر ورشو... من مصممانه با این امر بنای مخالفت گذاشتم... تا آنجا که به یاد دارم فقط ریگف جانب مرا گرفت. دیگران را لنین در غیاب من با خود هم داستان کرده بود. تصمیم گرفته شد: حمله کنیم... نا گفته نماند یکی از دلایلی که موجب شد فاجعه‌ی مسکو چنان دامنه‌ی عظیمی پیدا کند، روش فرماندهی گروه جنوب ارتش شوروی بود که جهت لمبرگ را برگزیده بود. چهره اصلی سیاسی در شورای جنگی انقلابی این گروه، استالین بود.

می‌خواست به هر قیمت که شده، هم زمان با ورود “اسمیلگا” و توخاچفسکی به ورشو، به لمبرگ وارد شود. آدم‌هایی هم هستند که از این غرورها دارند. هنگامی که خطر برای ارتش توخاچفسکی آشکار شد و سرفرماندهی ارتش جنوب دستور تغییر جهت داد تا این که بتوان به نیروهای لهستانی در نزدیکی ورشو از پهلو حمله کرد، فرماندهی ارتش جنوب شرقی، به ترغیب استالین، حرکت را به سوی غرب ادامه داد: راستی آیا مهم‌تر این نبود که خودشان لمبرگ را تسخیرکنند تا به یاری “دیگران” بشتابند. پس از دستورهای مکرر و تهدیدهای بسیار بود که فرماندهی جنوب شرقی، جهت را عوض کرد. اما چند روز تأخیر نقشی پر مخاطره

زیر شب

با صدایی پر از خار و زخم
با صدایی پر از جراحت‌های تجربه
نعره می‌کشم
آیا دریای خار و خون را می‌بینی؟

با حنجره‌ای خونین
نعره کشیدم
آیا صدای زخم را شنیدی؟

مشت‌هایم را بر شب کوفتم
شب
سر سخت
ایستاد

زیر شب
چون ستوری زخمی
سم بر زمین کوفتم
و گریستم
ستاره
ویران بود
هیچکس ضجه‌های خونین را نشنید
با حنجره‌ای خونین
نعره کشیدم
هیچکس باران خون را ندید

زیر شب
و زیر ابر
ای عظیم‌ترین فریاد
بگذار تو را چنان برکشم
که به قلب ستارگان
پرتاب شوم

با صدایی پر از خار و زخم
در انقلاب خون
به دیدارم بیا
شعر از سعید سلطانیپور



پروازی فرماندهان ارتش سرخ در جنگ
هشدار می‌داد: «بزرگترین خطری که هم
چون موقعیت کنونی جنگ با لهستان پیش
می‌آید اینست که، دشمن را ناچیز شمرد و
به قدرتمندتر بودن خود مغرور شد که
می‌تواند جنگ را به شکست بکشاند»
(همانجا). استالین از هشدار دادن فراتر
می‌رود و به روشنی علیه نقشه تروتسکی
برای حمله فوری به ورشو موضع‌گیری
میکند: «باید روشن باشد که جبهه
ورانگل، ادامه جبهه لهستان است، تنها با
این تفاوت که او در پشت نیروهای ما که
در حال جنگ با لهستان هستند کمین کرده
است، یعنی در خطرناک‌ترین محل. تا
زمانی که خطر ورانگل را از بین
نبرده‌ایم، خنده آور خواهد بود که از
«مارش به سوی ورشو» و دائمی بودن
پیروزی‌هایمان سخن بگوئیم. در حالی که
ورانگل در حال نیروگیری است، برخی
افراد متوجه نیستند که ما باید عملی جدی
علیه خطر رشد یابنده از طرف جنوب
انجام دهیم.... تنها زمانی که ورانگل را
نابود کرده باشیم، پیروزی ما علیه
لهستان، تضمین شده است. بنابراین حزب
می‌بایستی این رهنمود را به همه بدهد:
«به ورانگل توجه داشته باشید»،
«ورانگل می‌بایستی نابود گردد».
(درباره موقعیت جبهه لهستان - 11
ژوئیه). ادامه دارد

مبارزه علیه سرمایه‌داری
فاشیستی داخلی جدا از
مبارزه علیه امپریالیسم
نیست



بازی کرد». بدین ترتیب به روایت
تروتسکی، لنین و استالین، مخالف با
صلح، موافق حمله فوری به ورشو و
مقصر اصلی در شکست ارتش سرخ
بودند. از آن جایی که تروتسکی در تمامی
این موارد دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند و
خود را میرا از اشتباه نشان می‌دهد،
بایستی در مشکوک بودن نقشه‌های او،
راسخ تر اعتقاد داشت. زیرا، لنین در
تمامی مراحل خواهان صلح بود و حتی
در زمانی که ارتش سرخ توانسته بود
تهاجم لهستان را تا حدود زیادی دفع کرده
و در حال پیشروی بود، از پیشنهاد صلح
سرباز نزد. در این باره می‌خوانیم: «ما به
لهستان تقاضای صلح با تضمین تخطی
ناپذیر مرزهای آن کشور ارائه دادیم، که
حتی در درون این مرز فراتر از ملت
لهستانی زندگی می‌کنند. ما به آن‌ها
امتیازهای زیادی را پیشنهاد کرده‌ایم»
(لنین - خطاب به گاردیستهای سرخ - 5
مه 1920) و «ما مطمئن بودیم و هنوز هم
هستیم که... ما حتی از طریق یک صلح
نامناسب برای ما، زندگی سربازان ارتش
سرخ را نجات می‌دهیم و هم چنین هر یک
ماه صلح، نیروهای ما را چند برابر
می‌کند... گزارش شده است که سواره
نظام ما شیتومر را آزاد کرده است.
ارتباط آخرین جاده‌ی شهر کیف به جبهه
لهستانی‌ها، از شمال و جنوب توسط
نیروهای ما قطع شده است و کیف به طور
نا امید کننده‌ای برای لهستان از دست رفته
است. دولت لهستان مدام معلق می‌زند.
اکنون پیشنهاد صلح داده است. بفرمائید:
آقایان زمین‌دار و سرمایه‌دار. ما بررسی
یک پیشنهاد صلح را هیچ‌گاه رد نخواهیم
کرد» (سخنرانی در دومین کنفرانس
سراسری سازماندهندگان کار در
روستاها - 12 ژوئن). و در مورد بلند

پرولتاریای جهان متحد شوید

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

پیروز با دولت شورانی کارگران و تهیدستان!

پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!